

روش‌های قرآن در نهاده‌سازی اخلاق در قرآن

الهام قلی‌پور^۱

چکیده

اخلاق از واژه‌هایی به شمار می‌رود که تاریخ که همزاد و همراه با آفرینش انسان است، زیرا انسانیت انسان با اخلاق معنا پیدا می‌کند. بر همین اساس است که در آموزه‌های دینی بالأخص و معارف قرآنی به اخلاق و مؤلفه‌های آن به صورت ویژه پرداخته شده است. قرآن کریم به عنوان آخرین و کامل‌ترین ذخیره‌ی خداوند به مؤلفه‌های اخلاقی نگاه بی‌بدیلی داشته است، اخلاق در قرآن در سه قسمت کلی و زیر سه عنوان کلی: اخلاق الهی، اخلاق فردی و اخلاق اجتماعی مطرح شده است. از ضروریات ایمان‌پروری انسان، شناخت نوع ارتباط با خداست که با اعتقاد به مبدأ و معاد شروع و با خودسازی، مراحل آن طی و با حبّ و بغض فی‌الله به تکامل می‌رسد. اخلاق توحیدی، مراحل تزکیه را در بر دارد و هدف اصلی اخلاق نیز قرب الهی است تا زمینه‌های رشد انسان، فراهم و موانع از سر راه برطرف گردد. روش قرآن در تربیت انسان، رسیدن به توحید در زمینه‌ی اعتقاد و عمل است تا به عبودیت برسد. روش قرآن بر تشویق قبل از تنبیه تکیه دارد، هر چند هر دو مکمل یکدیگرند و علاوه بر غفلت‌زدایی، به کمال نفس کمک می‌کند. معرفی اُسوه‌ها در قرآن برای نجات انسان از گمراهی است و الگوی کامل از جمله ویژگی‌های اسلام است. آیات قرآن، پیامبران را با دیده‌ی الگو و اُسوه اخلاق حسنه می‌نگرند و به عنوان سرمشق در صفات برجسته‌ی خود، معرفی می‌کند. در اخلاق فردی و اجتماعی مصادیقی چون عبادت، توکل، خشوع، توبه را می‌توان از روش‌های اخلاقی قرآن برشمرد. در قرآن، برترین الگوی اخلاق حسنه، پیامبر (صلی‌الله) و آنگاه ابراهیم (علیه‌السلام) معرفی شده است.

واژگان کلیدی: اخلاق در قرآن، اخلاق الهی، اخلاق فردی، اخلاق اجتماعی، نهاده‌سازی.

مقدمه

قرآن سخن خداوند و کتابی انسان‌ساز است که آیات نورانی آن، وحی الهی و عین حق و واقعیت است و در حقیقت آن، خطایی راه ندارد. اخلاق از مهم‌ترین مباحث قرآنی است و اهمیت و جایگاه اخلاق در قرآن بر کسی پوشیده نیست و در اسلام بر آن تأکید فراوان شده است. در اهمیت و جایگاه اخلاق و مسائل مربوط به آن، همین بس که تزکیه و تربیت انسان از اهداف مهم بعثت رسولان عظیم الهی در طول تاریخ زندگی بشر بوده است. چنانچه پیامبر اکرم (صلی‌الله علیه و آله) هدف از نزول قرآن و بعثت تکمیل مکارم اخلاقی معرفی فرمود.

اخلاق با ملکات نفسانی، تزکیه و تهذیب نفس، اعمال و رفتار فردی و اجتماعی ارتباط عمیق دارد. روابط میان انسان با خدا را تنظیم می‌کند، روابط میان اعضا جامعه را سامان می‌دهد، فرد و جامعه را به رستگاری و کمال می‌رساند و در یک جمله، در زندگی و سرنوشت فردی و اجتماعی انسان، نقش عمیق و گسترده‌ای دارد. این مقاله: به سؤال‌های زیر پاسخ می‌دهد: ۱- روش آگاهی‌بخش در نهادهایسازی اخلاق چگونه بوده است؟ ۲- نقش ایمان‌پروری قرآن در نهادهایسازی اخلاق چیست؟ ۳- روش تزکیه‌ی نفْس از منظر قرآن در نهادهایسازی اخلاق چگونه است؟ ۴- تشویق و تنبیه قرآنی در نهادهایسازی اخلاق چه تأثیری دارد؟ ۵- معرفی اُسوه‌ها و الگوها از سوی قرآن در نهادهایسازی اخلاق چه نقشی دارد؟ روش مقاله‌ی حاضر، کتابخانه‌ای است که با استفاده از منابع تفسیری، اخلاقی و روایی استفاده شده است.

۱. مفهوم و تعریف اخلاق

۱-۱. مفهوم لغوی اخلاق

اخلاق جمع خلق و خلق می‌باشد، راغب در مفردات می‌گوید: این دو واژه در اصل به یک ریشه بر می‌گردند، خلق به معنی شکل و هیئت و صورتی است که انسان با چشم می‌بیند و خلق به معنی قوا و سجایا و صفات درونی است که با چشم دل دیده می‌شود.^۱

ابن فارس در مقاییس اللغة برای خلق دو اصل قائل است، یکی به معنی تقدیر الشیء و دیگری به معنای ملأه الشیء و خلق را به معنای سجه می‌داند؛ زیرا شخص به وسیله آن

^۱ - راغب اصفهانی، مفردات الالفاظ فی غریب القرآن، ص ۱۵۶

سنجش و اندازه گیری می شود و همچنین این منظور در لسان العرب خلق و حق را به یک معنا دانسته و می گوید این دو به معنی صفات و سجایای درونی است که مختص به نفس انسان است و شخص می تواند دارای او صاف حسنه با قبیحه باشد.^۱

۱-۲. معنای اصطلاحی اخلاق

قبل از آنکه اخلاق را تعریف کنیم لازم است به دو نکته که در فهم حقیقت اخلاق و تعریف آن مؤثر است اشاره کنیم:

۱- فلاسفه گفته اند از کیفیات نفسانی، آنچه سریع الزوال و زودگذر باشد آن را حال و آنچه که بطی الزوال و ثابت و مستمر بوده بطوری که به عنوان طبیعت ثانویه او به حساب آید آن را ملکه گویند.^۲

۲- «انسان در کارهایی که با اراده و اختیار خود انجام می دهد غالباً محتاج به تدبیر و تفکر است، یعنی هر کاری که بخواهد انجام می دهد. ابتدا خود آن کار و سپس منافع و مضار و خیر و شری که بر آن مترتب است را تصور می کند و پس از تصدیق به منافع و اینکه انجام آن کار برای او مفید است نسبت به آن میل و شوق پیدا می کند و بعد از گذراندن این مراحل تصمیم بر انجام آن می گیرد و یا در صورت تصدیق نیاز به تأمل و تفکر ندارد بلکه به طور خودکار عمل می کند؛ طوری که در انجام آن نیازی به محاسبه و تفکر نداشته و بدون هیچ مقدمه ای وارد عمل می شوند.^۳ اصطلاحاً جنین ملکه و هیأت راسخه در نفس را خلق می گویند.^۴ مرحوم فیض کاشانی در کتاب حقایق این چنین می گوید: بدان که خلق عبارت است از هیئتی استوار با نفس که افعال به آسانی و بدون نیاز به فکر و اندیشه از آن صادر شود.^۵

۱-۳. فلسفه اخلاق

«فلسفه اخلاق علمی است که از مبادی تصویری و تصدیقی علم اخلاق بحث می کند، یعنی هم تصورات و مفاهیمی را که در علم اخلاق و جملات آن بکار می روند توضیح می دهد و هم

^۱ - ابن منظور، لسان العرب، ج ۴، ص ۳۹۱

^۲ - طباطبائی، نهیة الحکمة، ص ۱۵۵

^۳ - طاهری، اخلاق اسلامی، صص ۶-۷

^۴ - طباطبائی، نهیة الحکمة، ص ۱۵۸

^۵ - فیض کاشانی، الحقائق فی محاسن الأخلاق، ص ۵۹

مسائلی را که پرداختن به تصدیقات و جملات اخلاقی متوقف بر بررسی و حل آنها می باشد مورد بحث قرار می دهد.^۱

۱-۴. انسان و اخلاق در نظام اسلام

اسلام دینی است که تنها به یک سلسله پندها و اندرزهای فردی اکتفا نکرده است بلکه دینی جامع و همه جانبه است که آنچه را که فرد و جامعه بدان نیازمند است، آنرا به عنوان یک واجب، فرض نموده است، بر این اساس متناسب با اهمیت خاصی که یک علم بر سرنوشت فرد و جامعه دارد مورد تأکید و ترغیب اسلام واقع گشته است و دانشمندان مسلمان خویش را ملزم به تدوین و تبویب آن علم در مقام تئوری و نظری کرده اند و اخلاق اسلامی دارای نظام خاصی است.

آیت الله مصباح می گوید: نظام اخلاقی اسلام، مبتنی بر نوعی جهان بینی است که وجود خداوند را به عنوان مبدأ و آفریننده موجودات و انسان را به عنوان موجودی وابسته و نیازمند به او معرفی می کند. انسان در این بینش فقیر محض است و نسبت به خداوند وجودی رابطی بیش ندارد، خداوند در قرآن می فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ»^۲؛ ای مردم شما نیازمندان به خدا هستید و فقط خداوند بی نیاز و ستوده است. طبیعی است این نظام برای آنکه سیرش مبتنی بر حقایق و هماهنگ با واقعیتها و بر کتار از اوهام و خیالات باشد تا گریز است رابطه عبودیت و ربوبیت فوق را مورد توجه قرار دهد و براساس این اصل و با ملاحظه ی آن برنامه ریزی کند.^۳

۲. روش های نهادینه سازی اخلاق در قرآن

در بخش اخلاق شناسی از معارف قرآن، رفتار اختیاری انسان را به تناسب آنکه در چه رابطه ای انجام می گیرد و به چه تعلق دارد، بر سه دسته کلی تقسیم کرده اند: اول، اخلاق الهی، کارهایی است که انسان در ارتباط با خدا انجام می دهد. مثل: معرفت و شناخت خدا، امید به خدا، ایمان به خدا، خوف و خشوع از خدا و ... که منشأ عبادت و بندگی در برابر خداوند می شود. دوم: اخلاق فردی، رفتارهایی است که اصالتاً، به خود انسان مربوط می شود هر چند که

^۱ - مصباح یزدی، فلسفه اخلاق، ص ۱۹

^۲ - فاطر: ۱۵

^۳ - مصباح یزدی، اخلاق در قرآن، ج ۱، ص ۱۰۶

ثانیاً و بالعرض، با دیگران نیز ارتباط پیدا کند و یا رابطه‌ی با خدا هم در آن ملحوظ شود. سوّم: اخلاق اجتماعی، کارهائی است که انسان در ارتباط با دیگران انجام می‌دهد و روابطی است که با دیگران برقرار می‌کند. بر اساس تقسیم‌بندی فوق، اخلاق در قرآن را در سه قسمت کلی و زیر سه عنوان کلی: ۱. اخلاق الهی ۲. اخلاق فردی ۳. اخلاق اجتماعی مطرح شده است.^۱

۲-۱. اخلاق الهی

اخلاق جمع خُلُق و خُلُق است و از مباحث مهم قرآنی است که چرا که این کتاب آسمانی یکی از اهداف انبیاء را تزکیه‌ی مردم معرفی کرده است. انسان بدون دستیابی به اخلاق شایسته مقام خلیفه‌الله را درک نخواهد کرد. انسان منهای اخلاق، چون حیوان خطرناکی است که میان ظلم و عدل فرقی نمی‌گذارد و همه چیز و همه جا را به آتش می‌کشد و موجب فساد عالم می‌شود.^۲ اخلاق الهی، کارهایی است که انسان در ارتباط با خداوند انجام می‌دهد. مثل: معرفت و شناخت خدا، امید به خدا، ایمان به خدا، خوف و خشوع از خدا و ... که منشأ عبادت و بندگی در برابر خدا می‌شود. با توجه به کثرت اخلاق الهی، تنها به برخی از آنها اشاره می‌شود.

۲-۱-۱. معرفت و شناخت خدا

قرآن، راه‌هایی اخلاق را از همان معارف اوّلی شروع و به رفتار، گفتار و نوشتار ختم می‌کند. یکی از مهم‌ترین علل و عوامل اخلاقی، شناخت و پیروی از معروف است. یک فرد یا جامعه وقتی متخلق به اخلاق الهی خواهد بود که هم شناخت حق از باطل و هم در پیروی از حق، انجام کار حَسَن، پرهیز از باطل و ترک کار قبیح، مستقیم باشد. اگر انسانی در این گونه از امور مستقیم و استوار نباشد، در هر بخشی نتیجه‌ی خاص آن بخش را به عنوان اثر سوء به همراه دارد؛ مثلاً، اگر کسی در جهان‌بینی و شناخت هست و نیست، مستقیم و استوار نباشد و تماشاگر صحنه‌ی نبرد اندیشه‌ها باشد و قدرت دآوری و قضاء بین آنها را نداشته باشد، سرانجام اهل سفسطه خواهد شد؛ زیرا می‌بیند آراء جهان‌بینان در نفی و اثبات، متناقض است و او هم قدرت تشخیص و دآوری ندارد، بنابراین، متحیر خواهد شد و این تحیر، محصولی جز سفسطه‌ی سوء نخواهد داشت. سوفیست‌ها نوعاً از این تحیر، سر از سفسطه در آورده‌اند.^۳

^۱ مصباح یزدی، اخلاق در قرآن، ج ۱، ص ۱۹

^۲ www.imam-khomeini.ir

^۳ جوادی آملی، مراحل اخلاق در قرآن ص ۳۴۵-۳۴۴

ملايمت گير» و «وَاخْفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ»^۱ و بال و پر خود را برای آنها (اهل ايمان بگستر).
«واخفض جناحك...» يا كه اين تعبير زيبا كنايه از تواضع توأم با محبت و ملاطفت است.
مسأله انذار و بيم دادن بيانگر اين واقعيت است كه اگر يکجا به خاطر مسائل تربيتي تكيه بر
خشونت و بيم شده است، بلا فاصله تكيه بر محبت و مهر و عاطفه می شود تا از اين دو
معجون مناسبی فراهم گردد.^۲

^۱ - حجر: ۸۸

^۲ - مكارم شيرازی، ناصر، نمونه، ج ۱۵، ص ۳۶۸

نتیجه‌گیری

اخلاق در قرآن در سه قسمت کمی و زیر سه عنوان کلی: ۱. اخلاق الهی ۲. اخلاق فردی ۳. اخلاق اجتماعی مطرح شده است، یک دسته اخلاق الهی: کارهایی است که انسان در ارتباط با خدا انجام می‌دهد. دوم، اخلاق فردی: رفتارهایی است که اصالتاً، به خود انسان مربوط می‌شود هر چند که ثانیاً و بالعرض، با دیگران نیز ارتباط پیدا کند و یا رابطه‌ی با خدا هم در آن ملحوظ شود. سوم، کارهایی است انسان در ارتباط با دیگران انجام می‌دهد و روابطی است که با دیگران برقرار می‌کند. قرآن کریم با روش آگاهی‌بخشی، نمونه‌های خوب و بد و حالات روحی گروه‌های مختلف را ذکر می‌نماید تا با درس گرفتن، زمینه‌های رشد اخلاقی فراهم شود و موانع از سر راه برطرف گردد. شناخت نوع ارتباط با خداوند که با اعتقاد به مبدأ و معاد شروع گردیده است و با خودسازی، مراحل آن طی می‌شود و با حبّ و بغض فی‌الله به تکامل می‌رسد، از ضروریات ایمان‌پروری در زندگی انسان. روش قرآن در تربیت انسان، رسیدن به توحید در زمینه‌ی اعتقاد و عمل است تا به عبودیت برسد. اندیشه‌ی قرآنی، اصل خودمحوری اخلاقی را رد کرده است و قوانین را بر توحید فطری و اخلاق فاضله‌ی عزیزی بنا نهاده است. تأثیر متقابل تعلیم و تزکیه، سبب نزدیک شدن انسان به خطوط فطری مانند خداخواهی است و برای تبدیل پیام‌های اخلاقی قرآن به ملکات راسخ، در نفس انسانی برانگیختگی ایجاد خواهد کرد تا فرد و اجتماع به آن پایبند باشند و هنجارهای الهی در جامعه ریشه بدواند. در تربیت، با تبعیت از روش قرآن، قبل از تنبیه باید بر تشویق تکیه کرد، هر چند هر دو برای تکامل اخلاقی فرد یا جامعه، مکمل یکدیگرند و آنها را در حالت تعادل قرار می‌دهند. پیامبران و پیشوایان، از جمله حضرت رسول اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم) و حضرت ابراهیم (علیه السلام) به عنوان الگو معرفی شدند تا انسان در صفات و روحیات به ایشان نزدیک گردد و به خودسازی عملی بپردازد. در پایان نتیجه می‌گیریم با بررسی روش‌های اخلاقی قرآن در نهادهای سازی آن در آیات قرآنی نمود عینی داشته و سعادت انسان در تطبیق تمامی اعمال و رفتار شان با قرآن است و اگر انسان همواره در تمام مراحل زندگیش این روش‌های اخلاقی در سر لوحه‌ی کارهای خود قرار دهد به سعادت دنیوی و اخروی دست خواهد یافت

فهرست منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.
 ۲. نهج البلاغه، ترجمه دشتی
 ۳. مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی.
- الف) کتب فارسی**
۴. بهشتی، محمدحسن، شناخت از دیدگاه فطرت، قم: بنیاد نظر آثار و اندیشه‌های شهید بهشتی، ۱۳۸۷ هـ ش
 ۵. جوادی آملی، عبد الله، مراحل اخلاق در قرآن کریم، مرکز نشر اسراء، چاپ هفتم، ۱۳۸۶ هـ ش.
 ۶. جوادی آملی، عبدالله، مراحل اخلاق در قرآن، قم: مرکز نشر اسراء، چاپ هفتم، ۱۳۸۷ هـ ش
 ۷. جوادی آملی، عبدالله، مبادی اخلاق در قرآن، قم: مرکز نشر اسراء، چاپ ششم، ۱۳۸۷ هـ ش
 ۸. حاجی ده‌آبادی، محمدعلی، درآمدی بر نظام تربیتی اسلامی، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۷ هـ ش
 ۹. طباطبایی، سیدمحمدحسین، روابط اجتماعی در اسلام، قم: بوستان کتاب، چاپ دوم، ۱۳۸۹ هـ ش
 ۱۰. طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، تهران، کتابفروشی مرتضوی، چاپ دوم، ۱۳۷۵ هـ ش،
 ۱۱. طوسی، نصیرالدین محمد، اخلاق ناصری، تهران: خوارزمی، چاپ سوم، ۱۳۶۴ هـ ش
 ۱۲. قرائتی، محسن، تفسیر نور، نشر مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ یازدهم، ۱۳۸۳ هـ ش.
 ۱۳. محمدی ری‌شهری، محمد، میزان الحکمه، قم: مرکز تحقیقات دارالحديث، چاپ دوم، ۱۳۷۹ هـ ش
 ۱۴. مصباح‌یزدی، محمدتقی، اخلاق در قرآن، قم: انتشارات مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ج اول، ۱۳۹۱ هـ ش

۱۵. مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، نشر مدرسه ی الامام علی بن ابی طالب، چاپ اول، ۱۳۷۸ هـ.ش.
 ۱۶. مکارم شیرازی، ناصر، **پیام قرآن دوره ی دوم اخلاق در قرآن**، قم: مدرسه ی الامام علی بن ابیطالب (ع)، چاپ چهارم، ۱۳۸۵ هـ.ش
 ۱۷. موسوی همدانی، سید محمد باقر، **ترجمه تفسیر المیزان**، قم، دفتر انتشارات اسلامی، جامیعه مدرسین، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ ش.
 ۱۸. نادری قمی، محمدمهدی، **قدرت در مدیریت اسلامی**، قم: انتشارات مؤسسه ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ اول، ۱۳۷۸ هـ.ش
- ب) کتب عربی**
۱۹. آقاجمال خوانساری، محمد، **شرح غررالحکم و دررالکلم**، تهران: مؤسسه ی انتشارات و چاپ دانشگاه، چاپ پنجم، ۱۳۷۳ هـ.ش
 ۲۰. ابن منظور، محمد بن مکرم، **لسان العرب**، بیروت، دار الاضواء، چاپ دوم، ۱۴۰۵ - ۱۹۸۵ م.
 ۲۱. بیهقی، احمد بن حسین، **السنن الکبری**، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ سوم، ۱۴۲۴ هـ.ق
 ۲۲. حر عاملی، محمد بن حسن بن علی، **وسائل الشیعۀ**، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ق.
 ۲۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، **مفردات الفاظ قرآن**، بیروت - دمشق: دارلمشامیه و دارالقلم، ۱۴۱۶ هـ.ق
 ۲۴. سید قطب، **فی ظلال القرآن**، ترجمه: مصطفی خمدل، تهران، احسان، چاپ دوم، ۱۳۸۷، هـ.ش.
 ۲۵. طباطبایی، سید محمد حسین، **المیزان**، ترجمه ی سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۳ هـ.ش
 ۲۶. فیض کاشانی، محسن، **الحقائق فی محاسن الأخلاق**، تحقیق: حاج محسن عقیل، بیروت، دار البلاغه، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.
 ۲۷. کلینی رازی، محمد بن یعقوب، **اصول کافی**، نشر اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۲، هـ.ش.

۲۸. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت، الوفاء، چاپ

دوم، ۱۴۰۴ هـ ق

۲۹. نراقی، ملا احمد، معراج السعاده، تهران: نشر دهقان، چاپ مکرر، ۱۳۷۳ هـ ش

(ج) مقاله

۳۰. معلّمی، حسن و زینب کبیری، «مبانی و شیوه‌های تربیت اخلاقی در قرآن کریم

از دیدگاه علامه طباطبائی»، معرفت اخلاقی، مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی

(ره)، شماره ۱، ۱۳۹۳ هـ ش